



# پیام کارگر

کتابخانه ملی ایران  
National Library and Archives of Iran

شماره ۱۵

بها: ۴۰ ریال

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه اول اسفند ۱۳۶۶

دور مجدد جنگ شهرها  
وکشتار مردم بی دفاع  
در صفحه ۱۲

## مبارزات زنان در خارج از کشور

علاقه به مسئله زن که در سالهای اخیر در میان جنبش دموکراتیک و چپ فزونی گرفته است یکی از آن جلوه‌های بارز اهمیت یافتن مطالبات دموکراتیک در جنبش ما است. شور و شوق برای درک مسائل مربوط به زنان، علل تاریخی ستم‌کنندگی زنان، بحث و بررسی پیرامون جنبش‌های مربوط به آنان، مطالعه مکاتب مختلف و در سطحی محدودتر تلاش‌های سازمان‌نگران‌های که برای شکل‌گیری مخالفین، انجمن‌ها، تشکلات کوچک با مضامین مختلف، منجمله کارآگاهان هرگز نه‌توده‌ای در میان زنان پناهنده، ایجاد گروه‌های مطالعاتی و برپا شدن سمینارها و فعالیت‌های مشترک با سازمان‌های مشابه زنان خارجی در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد همه مبین آنست که به موازات بسط مطالبات عام دموکراتیک مسئله زنان نیز به عنوان حلقه مهمی از این مطالبات دموکراتیک اهمیت پیدا کرده است بخصوص نگرش جمهوری اسلامی درباره زن و قوانینی که علیه حقوق زنان اعمال می‌کند ابعا دو ویژگی‌های خاصی به این مسئله داده است. بجز آن می‌توان گفت که در هیچ دوره تاریخی شرایط زندگی برای زنان کشورمان این چنین سخت و غیرقابل تحمل نبوده است. واژه "ستم‌مذاغ" که بیان عام ستمی است که بر زنان می‌رود، بی‌انگیز بقیه در صفحه ۲

## خجسته باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن



هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز زن متحدان و بین‌المللی زنان علیه استثمار، بیداد، تبعیض و ستم‌مذاغ است. امروز بیش از هشتاد سال از مبارزات قهرمانانه کارگران زن نساجی و بافنده آمریکا که برای کاهش ساعت کار و افزایش دستمزدها با ستم‌مذاغ می‌گذرد. از آن روز تا کنون، هر سال میلیون‌ها نفر در سراسر جهان این روز را جشن می‌گیرند و آرايه متحد خود را در دفاع از حقوق برابر زنان با مردان و علیه ستم‌مذاغ به نمایش می‌گذارند.

در کشور ما ۱۱ ماه روز زن تنها به مفهوم تشدید بیگانه‌گری علیه تبعیض، تعصب، عقب‌ماندگی و خرافات است. زیرا شرایط زن ایرانی متفاوت از هر کشور دیگری است. در هیچ کشوری دسته‌های اوپاش "تارالله"، "جندالله"، "الیزهرا" علنا در کوچ‌ها و خیابان‌ها زنان را مورد حمله و تجاوز قرار نمی‌دهند، در هیچ کشوری این چنین وقیحانه حق زن را لگدمال نمی‌کنند و شخصیت آنان را به ستم‌مذاغ مل‌اطف‌سای شهوت‌مردم‌توهین قرار نمی‌دهند. ابعداً فاجعه با رتاج وزات حکومت جهل و خرافه‌جمهوری‌لالایی به زنان، بی‌سما بقا است. رژیم‌حقی نام ۸ مارس راه نمی‌تواند تحمل کند، برنام‌های نمایشی که هر ساله یک هفته پیش از روز زن، برپا می‌کنند، تنها برای مسخ مطالبات و جایگ‌های است که زن در دنیای معاصر کسب کرده است، تنها می‌تواند تلاش‌های تاب‌ناک روز رژیم‌ولایت فقیه بیرون کردن زنان از عرصه‌های مختلف فعالیت اجتماعی و راندن آنها به دورن پست‌های تاریک قرون گذشته است. جایی که برای زنان تنها یک نقش در نظر گرفته شده است. آنهم خدمت به مرد و تکثیر نسل. اما رژیم‌حقی توانستند نتوانسته به آسانی به این هدف دست یابد. مقاومت سرسختانه زنان ایران در برابر نقشه‌های رژیم‌سد محکمی است که رژیم‌سد نمی‌تواند آن را عبور کند. پشتوانه این مبارزات به سال‌های طولانی بازمی‌گردد. مبارزات زنان ایران برای کسب حقوق پایمال شده‌شان تاریخ طولانی دارد. حضور گسترده زنان در انقلاب ۵۷ تجلی پیشرفت مبارزات آنها و نقش موثرشان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی کشور ما بود که طی سال‌ها بدست آورده‌اند. این مبارزات هم‌اکنون نیز در برابر رژیم‌داده‌سده دارد. مقاومت زنان در کارخانه‌ها، در مزارع، در

### در صفحات داخلی

- ققنوس در زنجیر
- کولنتای زورای نام‌ها پیش
- از میان یادداشت‌های یک پزشک
- زن در شوروی
- چرا که از عشق روئینه تنیم

زندان‌ها، در صف‌های طویل خریدما یحتاج عمومی، در اطراف شهرها و حلسی‌آبادها هنگامیکه پاسداران رژیم‌برای تخریب خانه‌ها پیش می‌روند، در شهرهای بقیه در صفحه ۹

## مبارزات زنان ویتنام در رژیم سایگون

در صفحه ۱۵

طلب می کند. عوامل چندی این ضعف را توضیح می دهد. اول آنکه زنان کمونیست و انقلابی کسب مقوم اصلی بک جنبش نیرومندتران هستند، خود بتدریج فی آموزش ندیده اند و مهمتراز آن بدهمان انحرافات بینشی آلوده اند که ما زمان های انقلابی چپ از آن رنج می بریم. یعنی از یک سو، انحرافات محدودنگرانه مکتب ریستی که همیشه جنبش دموکراتیک را برای جنبش طبقه کارگر درک نمی کنند، و به آزادیهای بورژوازی همچون پدیده های تجمعی و اشرافی می نگردند و به جنبش زنان بخصوص با دیده تردید بربور می کنند و انحراف دیگر که جنبش دموکراتیک را مستقل از مبارزه طبقاتی می نگردند و اموتوا مآثرابا درخواست های سوسیالیستی و مبارزه برای دیکتاتور پرولتاریا مغایر ارزیابی می کنند اگر از شکل شناخته شده و برجسته فمینیسم در این عرصه مرفنظر کنیم همین دو گرایش انحرافی در عرصه فعالیت عملی محافل و انجمن های زنان در خارج از کشور بصورت دیگری



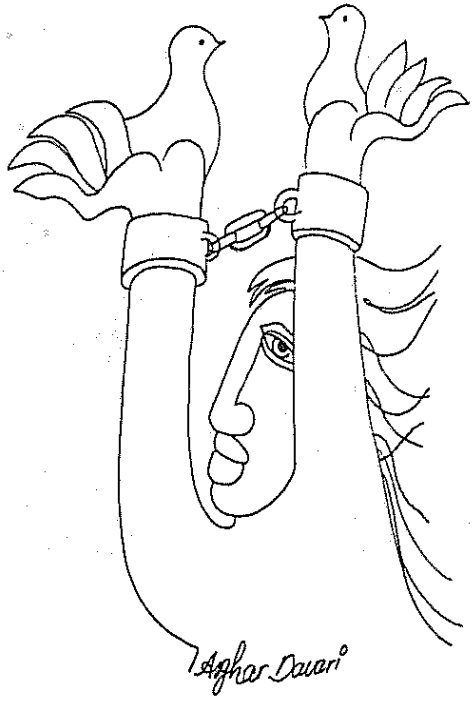
آنچه که اکنون بر زنان ایران می رود نیست و برای بیان آن با بیدر فرهنگ سیاسی و آزه جدیدی پیدا کرد. این درجالیست که زنان کشور ما بعلت فقدان آزادیهای بورژوا دموکراتیک هیچگاه طعم واقعی آزادی را نچشیدند و حتی از ساده ترین حقوق زنان کشورهای سرمایه داری برخوردار نبوده اند. آنچه را هم که آنها تحت رژیم پهلوی با زور و تحقیر تجربه کردند کاریکاتور بود آزادی زنان که نتیجه اصلی اش عملاً نوعی مقاومت فرهنگی منجر شد که دستگا و روحا نیت بکمک آن توانست تحت نام مبارزه با مظاهر غیربزرگی به تحمیل توده های مردم و همینطور زنان بپردازد. زمانی که رضا خان به زور سلاحه کشف حجاب کرد و چادر را ز سر زنان برداشت تا کسلا فرنگی سرشان بگذارد و بیا هنگامی که شاه معدوم راه پدر را ادامه داد و بیا کالب کردن تفاله های فرهنگ غربی تحت عنوان "دروازه های تمدن بزرگ" کاریکاتور آزادی زن غربی را در شیوه زندگی

# مبارزات زنان در خارج از کشور

نظا هر می کند. برای مثال، بسیاری از فعالین این انجمن ها وظیفه امروز خود را به کار مطالباتی محدود می کنند و تقریباً هرگونه کار آگاهانه و سازمانگرا را در خارج از کشور می کنند. اعتقاد این طیف بر آنست که تا زمانیکه بیا مشکل زنان و

شرایط کشور ما وضعیت این کشورها میکند، تأثیرات مثبت و منفی بسیاری را بر روی جنبش زنان ایران بجا می گذارد. همانطور که می بینیم چگونه سوسیالیست های تحلیلی ایرانی در برخورد با مباحث بورژوازی "میران و متقدم غربی" و "امی رفینه و بدها من سوسیال دموکراسی در می غلطند، طبیعاً برای کوچیانی، از زنان ایرانی که میراث کراسی از عقب ماندگیهای جامعه سنتی را با خود حمل می کنند دستاوردهای جامعه "متمدن" زمینه گمراهی های دیگری را فراهم می سازد. از مظاهر این انحراف یکی آنست که سحای مبارزه علیه می حتی زنان و علیه ریشه ها و علل تاریخی - اجتماعی ستم کشیدگی زنان، به تقابل با مردان کشیده می شوند و بدین ترتیب امکانات رشد فمینیست ها را فراهم می آورند. از سوی دیگر ما تحت تأثیر همین شرایط، علاقه به فعالیت اجتماعی - سیاسی، بهره گیری از دستاوردهای مبارزات دموکراتیک زنان اروپایی برای ارتقاء مبارزه زن ایرانی، ارتقاء آگاهی سیاسی و دانش ایدئولوژیک جهت شناختن مسائل زن ایرانی بخوبی دیده می شود. در کنار این بیشرمت ها تلاش های وسیعتری در میان زن ایرانی مباحث برای راه یافتن به دانشگاهها، آموختن زبان و تطبیق خود با ارزشهای مثبت معنوی این جوامع وجود دارد که افق های گسترده و روشن تری را در مقابل جنبش زنان می کشاید.

زنان ایرانی و ادساخت، زنان و دختران طبقات میانی جامعه شهری و بخش کارگران زنی کسبه در صنایع جدید بکار اشتغال داشتند در آرزوی رسیدن به تمدن غرب و درسوادی برای بری با زنان غرب به ارتزاق از این فرهنگ بدلی ویی محتوا پرداختند بی آنکه از مبارزات زنان اروپا و مفهوم واقعی برای بری که آنها دنبال می کردند تصور روشنی بدست آورده باشند. دستگا و تبلیغاتی رژیم شاه - روز بیا لقا، این ایده مشغول بود که پیش روی برای کسب آزادی یعنی تقلید از این با آن هنر پشیشه و خواننده غربی... این در حالی بود که همه ایمن زنان در زندگی عینی و روزمره خود از تحمل ستم مفا عه به ستوه آمده بودند.



مسائل تئوریک مربوط به آن شناخته نشود هیچگونه کار آگاهانه ممکن نیست و بیا دیک شکل از زنان که بتوانند در میان زنان مباحث جدست به فعالیت بزند و نسبت به جنبش عمومی دموکراتیک واکنش

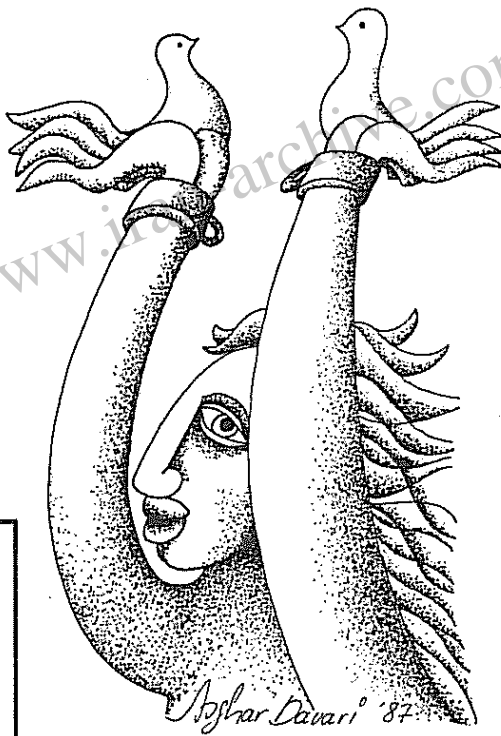
با وجود زمینه های مساعدی که ذکر شد، جنبش دموکراتیک زنان در خارج از کشور از بلوغ لازم برخوردار نیست. گوش های فکری و بعضاً فعالیتها ی سازمانگرا نه ای که در سطح خارج از کشور مشاهده میشود پاشی نیست که این بخش از جنبش دموکراتیک

اکنون شرایط در جمهوری اسلامی صدچندان بدتر شده است. به تمامی فشارهایی که در رژیم پیشین به زنان اعمال می شد قوانین پیوسته و ارتجاعی اسلام نیز افزوده شده است. مناسبات و ارزشهای کهن فئودالی که در رژیم شاه در زندگی واقعی اکثریت زنان ما تسلط داشت امروز با دیگر بدست رژیم تعمیق میشود و بعنوان قوانین رسمی عمل میکند. علاوه بر این زمینه اجتماعی که علاقه بکسار فکری و عملی در جنبش زنان را می افزاید، شرایط اجتماعی در کشورهای اروپایی که بخش بزرگی از زنان مباحث را در بر می گیرد، عامل محرک دیگری است که واکنش های گوناگونی را در میان زنان پیشرو بیا دمیکند. تنفس در فضای نسبتاً دموکراتیک کشورهای غربی، مشاهده زنان در مناسبات اجتماعی این کشورها، تأثیراتی که جنبش زنان ایمن کشورهای برفکار و روحیات زن ایرانی می گذارد و بویژه مفا بیهای که هر زن مباحث ایرانی میسسان

بعلت سطح آگاهی اجتماعی خود درک نسبی از ابعاد و علل ستم‌کشیدگی زن دارد، یا حداقل استعداد چنین درکی را دارا می‌باشد، دوم اینکه زن مهاجر نیز علیرغم زندگی در شرایط جدید و برخورداری از آزادیهای بورژوازی، در مقایسه با زن داخل ایران بطور کامل از مناسبات تبعیض آمیز و فشار مناسبات اجتماعی و فرهنگی رها نشده است. و هیچگاه نخواهد شد. چرا که و لاهنوز با صدها رشته به اخلاقیات و ارزشهای جامعه سنتی وابسته است و از طرق مختلف این فرهنگ او را تحت فشار می‌گذارد. تا نیاید شرایط جامعه "متمدن" اروپائی و آمریکائی نیز از موقعیت برای برتری مردان در تحت فشارهای اجتماعی متعددی است. نتیجتاً اینکه زن مهاجر ایرانی با رشته‌های کهنه و تازه‌ای به سنت‌ها و محدودیت‌های حقوقی و اجتماعی وابسته است و به صورت گوناگون، مستقیم و غیرمستقیم از ستم‌دوگانه رنج می‌برد همین رنج که ریشه در مناسبات حاکم بر جامعه ما دارد، او را به مبارزات و مسائل زن داخل ایران پیوند میدهد و نسبت به مبارزات و آیین‌ها در ایران حساس می‌کند. بنا بر این مبارزه برای حقوق برابر زن و مرد و مبارزه برای حقوق عام دموکراتیک شعارها و حلقه‌های هستند که توسط آن میتوان انجمن‌های زن را به تحرک واداشت.

در پایان با بیداری و رشد هم‌چنانکه قوا جنبش دموکراتیک وابسته به مبارزات پرولتاریا و پیگیری و استقامت کمونیست‌ها است استحکام جنبش زنان نیز در گرو فعالیت زنان کمونیست و انقلابی است. زنان انقلابی می‌باید هسته‌سفت این تشکل‌ها را تشکیل دهند تا پیوند میان جنبش ترقی خواهان‌ها و مبارزان و مبارز پرولتاریا انقلابی مستحکم گردد چرا که بدون رهائی کار از ستم سرمایه‌های شرایط اساسی رهائی زن از قیود تبعیضات قرون ممکن نیست ■

واقعیات و بی‌حقی از خود و آکنش نشان دهند. باید بخاطر داشت که تنها راه مغلوب کردن فمینیسم در جنبش زنان نشان دادن همین مساله‌ها و مسائل نشان دادن یک مبارزه آگاهانه حول جنبش زحمتکشان است. بیدیهی است تا هنگامیکه زنان از وضعیت و حشمتناک خود در نظام اجتماعی و تولیدی بی‌خبرند و از مفاک عظیمی که میان زن و جامعه مدنی در ایران امروز وجود دارد آگاهی ندارند و هم‌ترازان به عیسی تاریخی و اقتضای آن بی‌نبرده‌اند، به سادگی تحت تاثیر تبلیغات سطحی و مبتذل فمینیسم قرار می‌گیرند که به ساده‌ترین و نامیانه‌ترین مناسبات نابرابر، یعنی رابطه زن و مرد اشاره دارد و فقط آن را وجه علت آنها مورد حمله قرار میدهد. بنا بر این با توجه به شرایط ویژه زنان ایران فعالیت‌های شوریک و تحقیقاتی در جهت شناختن این ابعاد زندگی زنان ایران در خدمت جنبش دموکراتیک خواهد بود. این امر برای زنان پیشرو و کمونیست که در مهاجرت بسر می‌برند و از امکانات وسیعی برخوردارند وظیفه مهمی است.



داشته باشد، به یک توافق شوریک نیاز دارد. ترو-هائی که از طرف مقابل طرح می‌گردد صرفاً متوجه خواست‌ها و مبارزات زنان در داخل کشوری باشد. تا کیدیک جا نبه این طیف برخواست‌های زنان زحمتکش عملاً به نایده گرفتن مطالبات ویژه و مستقل زنان منتهی می‌گردد، بی‌توجهی طرفداران این نظریه به مسائل مستقل زنان وقتی آشکار می‌گردد که استدلال می‌شود زن در خارج از کشور مسئله‌ای ندارد و اهمیت دادن به مبارزات زنان در خارج از کشور خواهان خواهد بود که گرایش لیبرالی را نمایندگی میکند. به همین علت این گرایش با سوءظن به تشکلهای مستقل زنان و انجمن‌های که در اینجا و آنجا وجود دارد می‌نگرد. دوگرایش یا دشته تضاد است که انجمن‌های موجود را از درون ضعیف و بی‌رسمق ساخته است. هر دو نظرگاه‌ها دیده به یکسان از کار آگاهانه و مسالمانه در میان زنان مهاجر و شرکت در مبارزات دموکراتیک و دفاعی خارج از کشور متنازع می‌کند. و بنا بر این در عمل یک سیاست را پیش می‌برند. با این حال تا کیدیک تا یکجا نبه آنها بر جنبه‌های متفاوت نیازهای جنبش زنان ایران یک امر ذهنی نیست بلکه انعکاسی ناقص و یک سویه و واقعی است که در جامعه ایران می‌گذرد. رشد سریع، ناموزون و بوروکراتیک سرمایه‌داری در ایران تا ثیرات مخرب خود را بر این عرصه از زندگی اجتماعی مردم ما نیز بیجا نهاد و موجب نا هنجاری‌های گوناگون در رشد معنوی جامعه زنان ایران شده است. از جمله این نا هنجاری‌ها، پیدایش یک فاصله عمیق میان بخش پیشرو و توده زنان زحمتکش است. و واقعیات اینست که توده عظیم زنان کشور ما نه فقط در حاشیه تولید بلکه ملادرا حاشیه جامعه متمدن قرار گرفته‌اند و این امر باعث تبعیت زن را از نقش‌های موشرو فعال اجتماعی بازمی‌دارد. این در حالی است که تنها بخش کوچکی از زنان توانسته‌اند به دانشگاه‌ها راه‌یابند و زحمات تمدن بهره‌مند شوند. مسئله اصلی در اینجا اینست که تضاد موجود را توجیه و تشریح کنیم، طرز تفکری که راه‌پر کردن این فاصله را در تئوری می‌یابد طبیعتاً راه‌بجائی نخواهد بود، چرا که رشد آگاهی سیاسی توده زنان مثل هرامر توده‌ای دیگری از طریق مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و حرکت‌های سیاسی بدست می‌آید، از طرف دیگر و بیکر ده زنان زحمتکش و تحقیق‌کار تئوریک به نایده دیدن این حقیقت منجر می‌گردد که یک جنبش واقعی سیاسی بدون یک رهبری آگاهانه نبه بیره خواهد رفت. راه حل نزدیک کردن فاصله مذکور توجه به هر دو جنبه یا دشته است. در این معنا، کار تئوریک جنبه ذهنی و مجرد خود را از دست می‌دهد و محتوا و جهت مشخص می‌یابد، برای مثال وقتی معتقد با شیم اکثریت زنان کشور ما نه تنها در زمان تولید که مولادرا زمان اجتماعی پست‌ترین نقش را بازی می‌کنند، کار تئوریک موظف به شناختن این حقیقت خواهد بود. حقیقتی که ملائنا ساخته نشده است و چگونه ممکن است زنان مادر بی‌خبری از این

## «زن و امام» از دید حزب توده

مریم فیروز عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

در مورد نقش زنان پس از انقلاب گفت:

"تا پیداکنون کسی در تاریخ ایران نشده که مانند امام خمینی زنان را آنگونه که درخور مقام اوست، ارجمند بدارد، من خود بعنوان زن و مادر هرگاه به یادگفته‌ام که زن انسان ساز است، قرآن ساز است، می‌افتم، بی‌اختیار به خود می‌بالم و هم نگران می‌شوم، زیرا این گفته بسیار عمیق و پرمعنی است. هم‌به‌زن وظیفه خطیر و گذارنده است و هم‌به دولتمردان که مقام او را در همه جا و در هر موقعیت کم نگینند و او را راج بدارند."

به نقل از کرونولوژی "شیمه دیگر" تنظیم ازنا هید یگانه - صفحه ۱۰۷ - انتشارات حزب توده ایران.

این وظیفه ما بهیچ وجه بمعنای صرف نظر کردن از فعالیت عملی برای ارتقاء آگاهی زنان مهاجر و مسالمانه ندهی آنان نیست. چنانکه گفتیم رشد آگاهی توده زنان از طریق شرکت آنان در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و با اتکاء به تجارب عملی و شخصی خود آنها حاصل می‌شود. این مسئله در خارج از کشور، نیز که دارای زمینه‌های معینی برای به حرکت درآوردن زنان مهاجر است امکان پذیر است. دونهکت در این رابطه مهم وقایع ذکر است. اول اینکه اکثریت زنان مهاجر از قشرهای کم‌سود و کم‌سود شهری برخاسته‌اند و لذا احساس عینی نسبت به تبعیضات و محدودیت‌های زن ایرانی دارد، تا نیا



# زن و زندان

در روزهای توفانزای پنجاه و هفت، آنگاه که زنان کشور ما با بیای مردان در صفوف میلیونی وارد کارزار جنگ طبقاتی شدند، انقلابی واقعی تکوین یافت. مگر میشود تصور کرد دهه‌ای بسا آن عظمت بدون شرکت فعال نسیمی از جا معوق می‌باشد. ورود زنان به صحنه بیکار را انقلابی و شهادت‌مدانین از آنان در کناره مردان، دیگرگونی ژرفی در جنبش زنان و آگاهی آنها ایجاد کرد که تا امروز آثار آن محسوس است.

شرکت گسترده زنان در مبارزات سیاسی پدیده‌ای بود که از سالها قبل بخصوص در دهه چهل و پنجاه همزمان با گسترش فعالیت توده‌های زن در فرم‌های مختلف فعالیت اقتصادی - اجتماعی آغاز شده بود.

گسترش جنبش دانشجویی دهه پنجاه در داخل و خارج کشور عامل مؤثر دیگری در افزایش نقش زنان در فعالیت سیاسی بود. همراه با گسترش همین جنبش و مشارکت جدی تر زنان بود که در شهرها و شهرهای بزرگ بندهای مجزایی برای زنان سیاسی

اختصاص داده شد. و بدنبال آن اعدام زنان قهرمانی چون منیژه شرف زاده کرمانی، زهرا آقایی قلیکی و شیرین فضیلت کلاما و ج تازه‌ای به مبارزات زنان داد و نسلی از زنان انقلابی پایه میدان رزم انقلابی نهادند.

در همان سالهای سیاه استمناهای زنان در بیکارهای دیگر نیز شرکت داشتند. مبارزات ما در آن همسران و خواهران زندان‌نیا ن سیاسی گوشه دیگری از این بیکارگری زنان بود. آنگاه که زندان‌نیا ن به تبعیدگاهها گسیل میشدند، بیاد اعتراض بسه شرایط زندان‌ها زندان‌نیا ن دست به اعتصاب غذا می زدند، این مادران و همسران زندان‌نیا ن بودند که اخبار آن را به خارج انتقال میدادند و با وجود شرایط سرکوب و خفقان در مقابل دادستانی ارتش، و در مقابل زندان‌ها دست به تظاهرات زده، برده‌ها ز چهره زشت رژیم برگرفته و مسائیل زندان و زندان‌نیا ن را در دستر مبارزات دموکراتیک توده‌ها جاسازی می ساختند. تجلی با زردرخشان این مبارزات در تخمین خانواده‌های زندان‌نیا ن سیاسی در کساخت دادگستری تهران به نمایش درآمد. در دوران حکومت نظامی آنها خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی زندان‌نیا ن سیاسی شدند و در تداوم همین مبارزه بود که صحنه انقلاب حضور میلیون‌ها زن کارگر، کارمند و خانه‌دار را تجربه کرد.

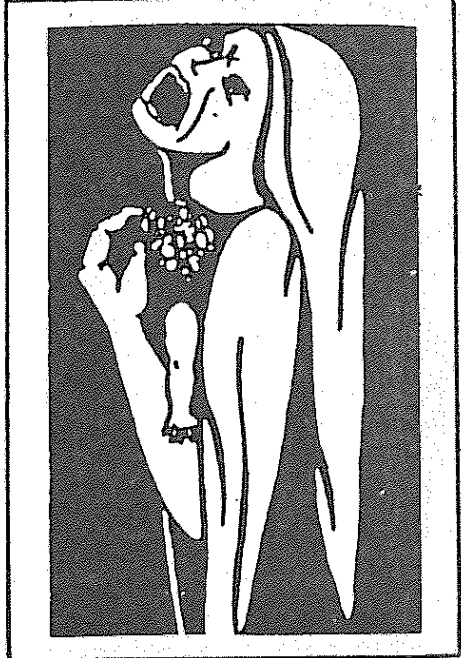
بیداری این غول خفته کدق برای بیروانسانی خود را می طلبید چیزی نبود که با بینش و اهداف رژیم اسلامی خوانا می داشته باشد. زن از دیدگاه رژیم اسلامی نه تنها حق شرکت در سیاست از فعالیت‌های اجتماعی را نمی یابد، بلکه بمناسبت موجودی "ناقص العقل" از حقوق یک انسان کامل محروم می ماند. زنان اما از نخستین روزهای حکومت خدا نقلاب مذهبی در کشور ما، مبارزه بی امان خود را علیه قوانین فوق ارتجاعی رژیم اسلامی آغاز نمودند. وجود بیش از بیست هزار زن انقلابی و مبارز در زندان‌های رژیم، بیانگر بیکار رختگی نا پذیران در مصاف طبقاتی علیه دیکتاتور فقیه درجا معسه بحران زده سرمایه‌داری ایران برای دموکراسی

و شکستن مناسبات استثمار و برای حقوق پایه‌ایو برابر برخورد میباید. آتانی که با تمام وجود در برابر فشار اعدا مو شکنجه مقاومت می کنند. شکنجه‌هایی که تنها توسط مزدوران و جنایتکاران حزب الهی می تواندا عمل شود. از بارها ره کردن بسدن زندان‌نیا ن در زیر شلاق و تاجا و جنسی تا اجبار بسه شرکت در مراسم و نمازهای مذهبی - سیاسی و اجبار برای دیدن و شنیدن برنامه‌های عقیدتی - سیاسی و گذراندن کلاسهای ایدئولوژیک

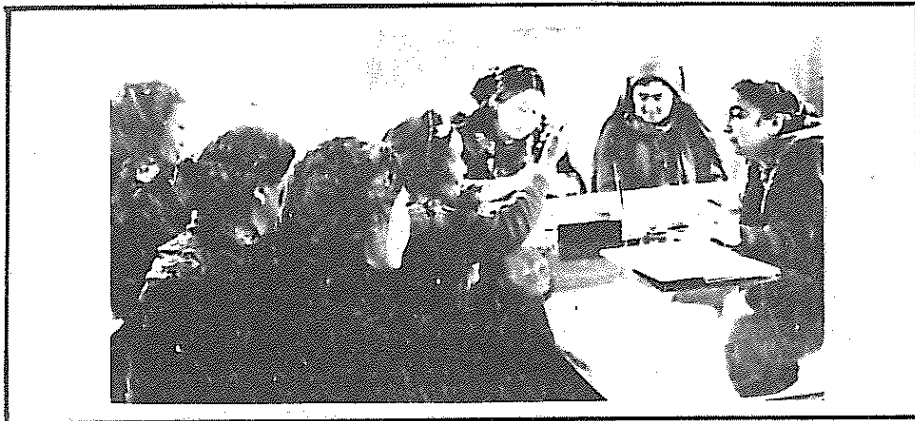
روز زن، فرمتی است مناسب جهت یاد آوری مقاومت زنان در زندان‌های جمهوری اسلامی. زنانی که با کودکان خود به بند کشیده شده‌اند، تا فرزندان شاهد شکنجه مادران باشند، تا جیغ یک نفس کودکان در سینه‌های زنان، خنده‌های برایشواری مادران باشد. زنانی که کوه‌وار، با کوله‌باری از مقاومت و جثمان گستاخ خود را به دشمن دوخته و زندگی را فربا دزدند. مادرانی که با عشق به کودکان فردا، مرگ را برای خود و فرزندان‌شان بپذیرا شدند.



میدانستم آبهای ایستاده  
در درون خود می میرند  
میدانستم در آغوش امواج  
دریاها  
برای جویباران کوچک  
هستی تازه‌ای می زاینند  
نه درازی راه  
نه گودال‌های تاریک  
و نه هوس با زماندن از جریان  
مرا از راه باز نداشت.  
از شهید مرضیه احمدی اسکویی



# زن در شوروی



د تمام حرفه‌ها و فعالیت‌های شغلی حضورند دارند. به عبارت دیگر در شوروی پدیده "شغل‌های زنانه" نظیر پزشکی، معلمی، کار در بخش خدمات و... وجود دارد و این شغلها معمولاً از جمله شغل‌های کم درآمد - نسبت به درآمد کارگر متخصص - بحساب می‌آیند. حتی در حرفه‌ها و رشته‌های صنعتی که زنان مورد آن هرد و حضوری محسوس دارند، (مشاغل مشترک) درصد زنانی که در آن‌ها درآمد بهتری هستند کمتر از مردان است. مثلاً ۴۰٪ مردان شاغل در صنایع سبک و ۱٪ زنان شاغل در این صنعت در آرایه‌ها به حقوق بالا می‌رسند. درصد زنانی که درآمد بالا دارند در ربا‌های صنایع مثل نفت و پتروشیمی به ۴٪ می‌رسد و این بدان معنی است که در این صنایع فقط کارهای ساده و بدنی توسط زنان صورت گرفته و مدیران و متخصصین تقریباً همگی از مردان هستند. در سطح هم‌صنایع شوروی نیمی از کارهای بدنی توسط زنان انجام می‌شود و در این میان رشته موارد نقض علنی مقررات مربوط به حمایت از زنان در محیط کار کم نبودند، بطوریکه آخرین کنفرانس اتحادیه‌های کارگری شوروی در رأس اقدامات خود خاتمه دادند و به کاربندی زنان در کارخانه‌ها و تشدید بارزوسی اتحادیه‌ها را قرارداد.

در زمینه مدیریت اقتصادی، زنان شوروی در موقعیت بی‌نظیری در مقایسه با زنان کشورهای سرمایه‌داری قرار دارند، بدین معنی که حضور گسترده‌ای در رده‌های میانی مدیریت (مدیریت مزارع، کارخانجات و...) دارند ولی در همین حال نقش شائبه در رده‌های مدیریت هنوز با مردان است (۸۸٪) و این در حالیست که ضعف برنا هم‌ریزی برای تربیت زنان متخصص در زمینه علمی، تولیدی و مدیریت هنوز هم ادامه دارد و رساله‌های غیربموازات تحولات نوین در جامعه شوروی و بافعال شدن "شوراهای زنان" حل این مسئله بطورجدی در دستور کاربرنا هم‌ریزی اقتصادی و آموزشی قرار گرفته است. اما علیرغم اهمیت کلیدی آموزش حرفه‌ای برای ارتقاء نقش زنان در سازمان اجتماعی کار، مشکلات دیگری امکان استفاده هم‌مرازا مکانات آموزشی موجود را برای زنان محدود نموده و تأثیر این محدودیت هابندی است که بدین زمینه‌ها برآورد شده است. از این میان برداشتن آنها، از این برداشتن نابرابری بسا سرعت کافی صورت نخواهد گرفت. در مرکز مشکلات فوق‌الذکر، وضعیت بخش خدمات قرار دارد که به مقدر و کیفیت لا زم محصولات (از جمله لوازم خانگی) و خدمات رفاهی (مسکن، موسسات نگاهداری نوزادان و اطفال) و بهداشتی را در بقیه در صفحه ۹

د ارا هستند و چنانکه خواهیم دید زنان شوروی در این راستا اخیراً بطور خاص فعال شده‌اند. برخورد آری از حق کارمندی‌ها و امتیازات معین در حوزه تولید (از قبیل قوانین حفاظتی ویژه برای زنان) با قوانینی در زمینه مقررات مربوط به دوران حاملگی زنان کارگروشاغل، منع شب کاری و کارهای سنگین و خطرناک، حق کار نیمه وقت برای مادران حق استفاده از تعطیلات چهارماهه در دوران حاملگی (با حقوق) و تعطیلات یکساله (بدون حقوق) و... تکمیل می‌شوند. بطور خلاصه در زمینه اقتصادی و بلحاظ برخورد آری از حمایت

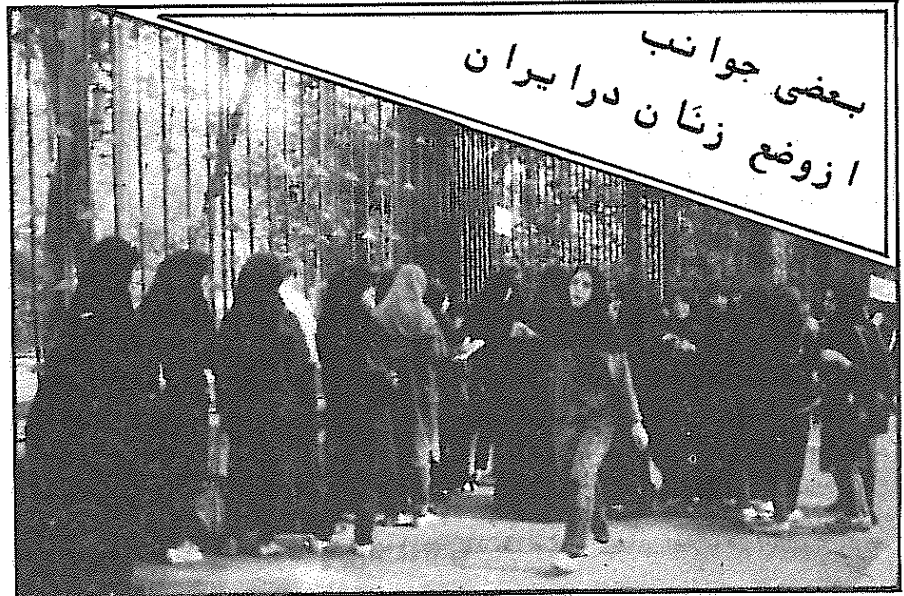


قانونی و ایدئولوژی در جامعه، زنان شوروی نسبت به زنان همه کشورهای غیرسوسیالیستی در موقعیت بهتری قرار دارند. اما این بدین معنی نیست که زن دیگر مورد تبعیض قرار نگرفته و یا از برابری کامل واقعی نسبت به مرد برخوردار است. برای بررسی این موضوع، مروری بر باره‌های از جانب مشکلات زنان در شوروی خالی از فایده نیست: زنان شوروی در زمین برخورد آری از حقوق مساوی در آرای کار مساوی با مردان، هنوز به یکسان

با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، برای امرهائی زنان، اقبهای نوینی گشوده شد. این انقلاب همه آنچه که سالهای متعادی و توسط نسلهای مختلف زن رزمند آرزومی شد، یعنی فراهم شدن شرایط اقتصادی و حقوقی رهائی زن را به شیوه‌ای انقلابی و بیگرمه‌ها ساختود رراستای تکامل آن شتابان گام برداشت. قانون اساسی اتحاد شوروی مصوبه سال ۱۹۱۸ برای کامل زنان را در زمینه کار، خانواده، ازدواج و حقوق مدنی و سیاسی با مردان به رسمیت شناخت و با این اقدام گام غول‌آسائی در مسیر رهائی زن در رقیاسی تاریخی جهانی به پیش برداشت و این در حالی بود که در کشورهای معظم سرمایه‌داری آن روز، حتی برابری صوری زنان چند سال بعد و تحت فشار انقلاب اکتبر بدست آمد. مثلاً حق رأی برای زنان در کشورهای انگلستان و دانمارک در ۱۹۱۸، در آتریش و بلژیک در ۱۹۱۹، در آمریکا در سال ۱۹۲۰، در سوئد و نروژ در ۱۹۲۱، در هلند در سال ۱۹۲۲، و در فرانسه در ۱۹۴۵ و در ایتالیا در ۱۹۴۶ به رسمیت شناخته شدند و سایر دستاوردهای جنبش زنان در این کشورها پس از مبارزات طولانی و به شیوه‌ای تدریجی حاصل آمدند. لنین وقتی از قانون اساسی ۱۹۱۸ باغور یاد می‌کند می‌گوید که "در زمینه قانون‌گذاری، آنچه که ممکن بود را برای تساوی زن و مرد انجام دادیم...". در قیامقایسه فوق‌رآمد درصد زنان در زمین حال از مسرید شوازی که برای تحقق رهائی زن می‌بایست در نورد یسده می‌شد بی‌توجه نیست. نوشته‌های وی در آن سالها حاوی طرحهای متعدد دی برای کم کردن کارخانگی از طریق ایجاد موسسات نگاهداری کودکان مادران شاغل و تحت آموزش، غذاخوری‌های عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و قوانین ویژه برای حمایت از زنان و مادران می‌باشند. در زمینه کشاندن زنان به حوزه تولید، به مثابه پیش شرط لازم برای استقلال اقتصادی زن، جامعه شوروی در درصد رجوع صنعتی قرار دارد. در این کشور ۵۲٪ نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند و در واقع در شوروی امروزی، زن خانه‌دار و غیرشاغل پدیده‌های غیرعادی است، گرچه درصد زنان شاغل در جمهوری‌های مختلف و در صد زنان متعلق به خلق‌های مختلف یکسان نیست. زنان شوروی غالباً بویژه نسل اخیر زنان - در آرای تحصیلات متوسط و با دانشگاهی هستند. نزدیک به ۹۰٪ از زنان شاغل دارای دیپلوم دبیرستان و یا مدرک تحصیلی بالا تر هستند. و این بدان معنی است که (به جز زنان مسن)، تقریباً همه زنان به لحاظ اقتصادی فعال، امکان‌هینی رقابت همه‌جانبه با مردان در حوزه تولید و در زمینه کسب کاردانی و موقعیت در سازمان اجتماعی کار را



مردان	زنان	جمعیت با سواد
% ۵۸/۶	% ۳۵	(۱۳۵۵)
% ۶۷	% ۳۳	فارغ التحصیلان
		پزشکی (۱۳۶۳)
% ۹۵	% ۵	فارغ التحصیلان
		مهندسی (۱۳۶۳)



با استفاده از آمارهای مرکز آمار ایران منتشره در سالنامه آمار ۶۲

این نسبت‌ها بویژه در مورد فعالیت اقتصادی، حتی در پیشرفته‌ترین جوامع سرمایه‌داری بصورتی متناوب در دنیا مده و نخواهد آمد چنانکه آمارهای کشورهای آمریکا و اروپا شگواهند، انتظار هر نوع دگرگونی واقعی در این وضع و ایجاد برابری واقعی در روابط اجتماعی، تنها با نابودی سرمایه‌داری و برپا شدن نظم نوین کارگری امکان پذیر است. در غیر این صورت و بخصوص در شرایط سرمایه‌داری عقب مانده ایران، تنها با برابری‌ها باقی میماند بلکه در حیات رژیم اسلامی که چون دیوتوره میگذرد نریا دبرمی آورد که:

- ۱. زنان حق قضاوت ندارند.
- ۲. شهادت در قضا با بدچنین باشد (ماده ۳۳ الف). قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود.
- ۳. قتل شبه عمد و خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت میشود.
- ۴. حق سرپرستی و تصمیم‌گیری در مورد فرزندان مطلقاً در اختیار پدر و خواهر بزرگتری است.
- ۵. مرد میتواند هر وقت خواست زن خود را طلاق دهد.
- ۶. اگر زنی رعایت کامل حجاب اسلامی را ننماید و یا در خیابان با آرایش صورت ظاهر شود، زیگماها تسایکال حبس و ۴ ضربه شلاق محکوم میشود (ماده ۱۲۲ و ۱۵۲ تعزیرات اسلامی).
- ۷. ...
- ۸. سهم‌عقب بزرگان در جامعه سرمایه‌داری ایران، بنحو وحشتناکی تشدید میشود.

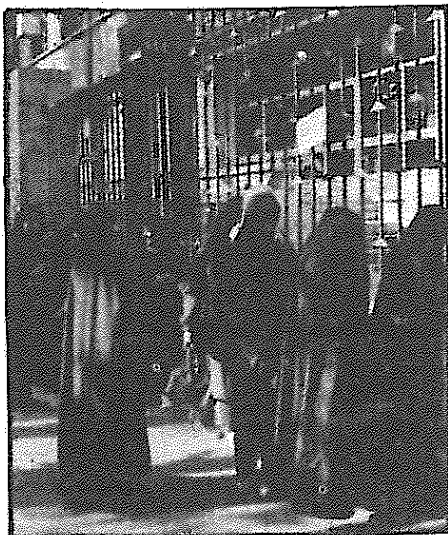
مردان	زنان	جمعیت فعال اقتصادی
% ۷۰/۸	% ۱۲/۹	(۱۳۵۵)
% ۴	% ۰/۶	مشاغل کارفرمایی در بین فعالین (۱۳۶۳)
% ۸۸	% ۱۲	اعضای کادر آموزشی دانشگاهها (۱۳۶۳)

با استفاده از منابع آمار مرکز آمار ایران منتشره در سالنامه آمار ۱۳۶۳

سواد و سطوح مختلف آموزش: برآورد آمارگیری سال ۱۳۵۵ تنها ۳۵ درصد زنان ایران با سواد دیوده‌اند و این نسبت در مورد مردان ۵۸/۶ درصد دیوده است. کمبود فرصت و امکان برای زنان جهت آموزش در سطوح مختلف آموزشی نیز خود را نمایان می‌کند. برآورد آمارگیری سال ۶۳ از دهه سنی ۱۴ سال حدود یک میلیون و هشتصد و چهل و چهار هزار دختر یعنی ۳۴/۲ درصد جمعیت این رده سنی در موسسات آموزشی مربوط به این رده حضور نداشته و از آموزش محروم دیوده‌اند. این نسبت در مورد پسران ۱۵/۹ درصد دیوده است. و در مقطع راهنمایی تحصیلی ۶۸ درصد دختران از آموزش محروم دیوده‌اند (۷۸۳۵۱۴ نفر) از مجموع ۲ میلیون و چهارصد و پنجاه و چهار نفر این گروه سنی به تحصیل اشتغال داشتند. این نسبت در مورد پسران ۵۳ درصد دیوده است. کمبود فرصتهای آموزشی و قوانین و مقررات ارتجاعی حکومت اسلامی و ستن عقب مانده، با زتاب خود را در کمبود چشمگیر فارغ التحصیلان رشته‌های حساس و پر طرفدار چون پزشکی و مهندسی نمایان می‌کند. در سال ۱۳۶۳ از میان فارغ التحصیلان دانشکده‌های پزشکی ۳۳ درصد زنان بودند (۲۶۲ نفر از ۷۸۴ نفر). و تنها ۵ درصد فارغ التحصیلان مهندسی زنان بودند (۸۲ نفر از ۱۶۰۳ نفر). این وضع در زمانی که ورود به بعضی از رشته‌های تحصیلی از جمله حقوق برای زنان ممنوع و بعضی دیگر چون کشاورزی ناممکن گردیده است، معنسی واقعی و مضاعف خود را می‌یابد.

رژیم فقیها با قوانین سیاه خود که به مناسبات اجتماعی و تولیدی بسیار عقب مانده و ماقبلی سرمایه‌داری تعلق دارد، آنچنان جهشی برای زنان کشور ما بپا کرده که جز با مواهین قوانین و سرنگونی این رژیم هیچ بهبودی در این بباره متصور نیست. اما شرایط اساسی زندگی اجتماعی زنان در ایران به تبع مناسبات سرمایه‌داری، خود حکایت آن ستم اجتماعی مضاعفی است که جزء لاینفک این سیستم است. قوانین قرون وسطایی حکومت اسلامی نیز بر سترچین شرایطی است که زمینه‌های برای جاری شدن می‌یابد. با گذری بر بعضی از مشخصات اساسی وضعیت زنان در ایران گاهی چند باره بر قوانین حقوقی رژیم اسلامی درباره زنان خواهیم افکند.

مرور آمار برد و مولفه‌ها از مولفه‌های اساسی تعیین کننده نقش و جایگاه زنان در جامعه، به دریافت شرایط اجتماعی زنان ایران یاری میرساند. اشتغال و فعالیت اقتصادی: بنا بر آمارگیری سال ۱۳۵۵ در مورد جمعیت فعال کشور (منظور کلیه کسانی که شاغل هستند و یا بدنیا لکاری باری درآمدی باشند)، تنها ۱۲/۹ درصد زنان بالاتر از ده سال جزو جمعیت فعال اقتصادی کشور دیودند. در حالی که در مردان بالاتر از ده سال ۷۰/۸ درصد دیوده است. این یعنی نقش ناچیز زنان در فعالیت اقتصادی و لاجرم محروم بودن آنها از درآمد و سایر مآندن در حصار خانه و کارخانه. نکته مهم در این مورد کمبود فرصت‌ها جهت دستیابی به مشاغل حساس و کلیدی برای آندسته از زنانی است که بلحاظ اقتصادی فعالند. که خصوصاً در دوره جمهوری اسلامی بصورتی رقت بار در آمده است. مطابق آمارگیری سال ۶۳ نزدیک ۵۵ درصد زنان فعال بصورت کارکنان فامیلی و یا کارآموزان بدون مزد عمل کرده‌اند. تنها ۰/۶ درصد از زنان فعال به مشاغل انوع کارفرمایی مشغول دیوده‌اند در حالی که این نسبت در مورد مردان فعال بیش از ۴ درصد است.



فروغ فرخزاد

## به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد

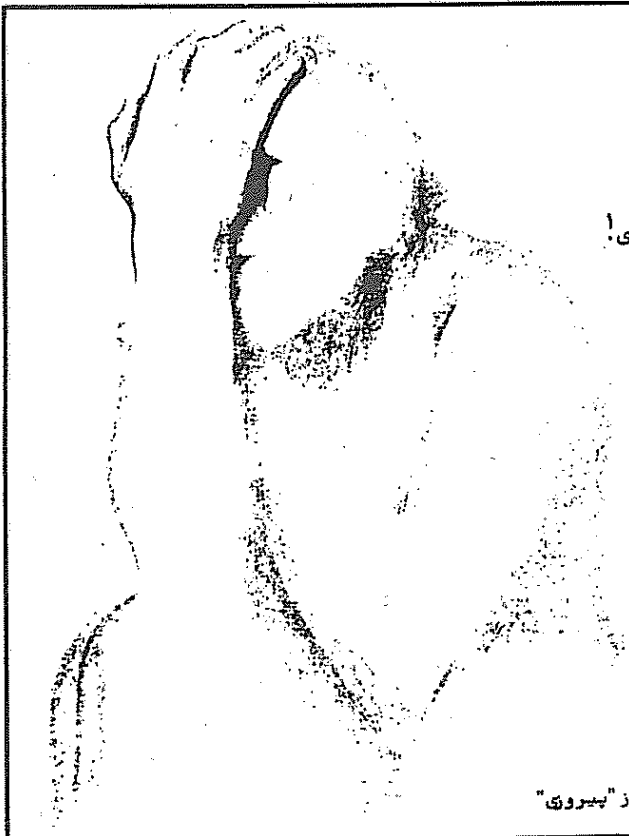


به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد  
 به جویبار که در من جاری بود  
 به ابرها که فکرهای طولیم بودند  
 به رشد در دناک سپیدارهای باغ که با من  
 از فصل‌های خشک گذر میکردند  
 بدسته‌های کلاغان  
 که عطر مزرعه‌های شبانه را  
 برای من به هدیه می آوردند  
 به ما درم که در آینه زندگی میکرد  
 و شکل پیری من بود  
 و به زمین، که شهوت نکرا من، درون قلبش را  
 از تخمه‌های سبزی انباشت - سلامی دوباره خواهم داد

می آیم، می آیم، می آیم  
 با گیسویم؛ ادا مبهوهای زیرخاک  
 با چشم‌هایم؛ تجربه‌های غلیظ تاریکی  
 با بسته‌ها که چیده‌ام از زبیشه‌های آنسوی دیوار  
 می آیم، می آیم، می آیم  
 و آستانه پراز عشق میشود  
 و من در آستانه به آنجا که دوست میدارند  
 و دختری که هنوز آنجا،  
 در آستانه پراز عشق ایستاده، سلامی دوباره خواهم داد.

## به زن یک کارگرا عتابی

پا شو - وگلیس



وقتی که در کارخانه شوهر تو کار را زمین می‌گذارد  
 و برای دستمزدی بهتر عتاب می‌کند  
 روحیه‌ات را مبارز اگر در کارخانه‌ها خطا را دریافت کردی!  
 آنکه تو را با ناله تهدید می‌کند  
 دشمن عتاب‌بگرا است  
 و نان ترا گران خواهد نمود.  
 زیرا که تو زن کارگرا عتابی هستی  
 و نانت نه از سود روسا  
 که از دستمزد کارگراست.  
 وقتی که در کارخانه شوهر تو کار را زمین می‌گذارد و عتاب می‌کند  
 روحیه‌ات را مبارز!  
 همکار عتاب‌بایمان  
 نامه‌ها خط را برای دشمنت پس فرست  
 و روی آن بنویس:  
 "من شوهر مرا دوست دارم!"

ترجمه از "پیروی"

برای ما آزادی زنان ، به معنای آزادی مردان است ، بدون رهایی  
نیمی از جامعه بشریت ماچا معناه آزاد و مردان آزاد نخواهیم داشت .  
این رهایی متضمن تأمین مطالبات زیر است .

- ۱- حق کار برابر و مزد برابر مردان
- ۲- زنان باید از حق تشکل برخوردار باشند .
- ۳- حق آموزش برابر و حق تحصیل در رشته های دلخواه .
- ۴- لغو تمام قوانین ارتجاعی مربوط به ازدواج ، طلاق ، حق تکفل فرزندان ، مالکیت و ارث بوی .
- ۵- تأمین آزادی پوشش
- ۶- باید کارخانه ها ، ادارات و تمام محلات کاردارای مهد کودک باشند .
- ۷- باید تمام کودکان بطور رایگان و اجباری در کودکستانها و مدارس آموزش ببینند .
- ۸- باید زنان شاغل از حقوق خاص و تعطیلات لازم برای زایمان و شیردادن کودکان خود برخوردار باشند .
- ۹- تأمین وحدت جامعه و لغو مقررات مربوط به زنانه ، مردانه کردن اجتماع .
- ۱۰- باید بهدشت و درمان خانوادگی بطور رایگان تأمین شود و مؤسسات بهدشتی مستقیماً مسئولیت سلامتی و بهدشت کودکان را بعهده بگیرند .



## آلكساندرا كولنتای زورای نامه هايش

الكساندرا كولنتای زن انقلابی برجسته روسیه ، یکی از چهره های همیشه ماندگار انقلاب اکتبر است . در باره زندگی و فعالیت های وی بعنوان یکی از برجسته ترین مبلغین حزب بلشویک و بعنوان یکی از رهبران جنبش زنان روسیه ، بسیار نوشته شده است و نامه های وی به عنوان یکی از منابع تاریخی مهم مربوط به انقلاب روسیه همواره مورد توجه بوده است . این نامه ها گواهی شخصیت برجسته ، روح انسانی بزرگ و عواطف عمیق او ، عشق او به کار ، انسان و طبیعت و ایمان استوار او به آینده و آگاهی به نقش انسانها در روند پیچهای تاریخ می باشد .

## قنوس در زنجیر

"ش" زن ساده ای بود اما به اعتقاد آتش وفادار ماند بود . می خواست شرافتمندانه زندگی کند . زندگی با پیشانی فرو افتاد هر ادوست نداشت . شوهرش که کارگری ساده و تقریباً غیرسیاسی بود ، قبلاً دستگیر شده بود و به خیل توپان بیوسته بود . "ش" و هر سه فرزندش بعنوان پوشش در خانه های تیمی زندگی می کردند . هر سه بچه او دستگیر شده بودند . زمانی که "ش" در بازداشتگاه بود به امید آنکه تحت تأثیر عواطف خانوادگی از قید بازی اش دست بکشد و آزاد باشد در ایستادن بشکند ، وی را با شوهرش در یک جا گذاشتند . از بد شانسی در این فاصله بسیار در وقتی به زندان عادل آباد آمد ، آثار حاکمیت و در احوال او ظاهر شد . وی به دادگاه رفت و حکم اعدام گرفت . من خود با "ش" صحبت و گفتگو داشتم . او از اعدام ترسیده نداشت ، لیکن نگران سه بچه و بچه ای که در شکم داشت ، بود . حکمش که قطعی شد او را به بازداشتگاه بردند و چون فهمیدند حاله است ، حکم را تا زایمان معلق گذاشتند . بچه هایش بی سرپرست ماندند و هر کد ام جد آگانه نزد خویش و قومی بسرمی بردند . هر از گاهی بچه ها را به زندان می آوردند و آن ها از یک هفته تا یک ماه پیش اومی ماندند . فکرمی کنم هیچ کلامی نتواند بیانگر چشمان بیوسته اشک آلود "ش" باشد . آن هنگام که برای شان لا لائی می خواند یا قصه تعریف می کرد یا نوازش شان می کرد و در حمام شستشویشان می داد چنان حالتی داشت که گویی می خواست هر لحظه ای از آن لحظات را در چنگ خود بفشارد که از دستش نگریزند . گاه این احساس بر من دست میداد که "ش" آرزوی کند سال ها طول بکشد و بچه ای که در شکم دارد بدنیانیاید . زیرا خوبی می دانست که پس از زایمان اعدام خواهد شد . امید و آرزوی در این فاصله اتفاقی بیفتد و رژیم سرنگ شود و یاقوانین دادگاه تغییر کند . تا زمانی که در زندان جمهوری اسلام می بودم هنوز "ش" فارغ نشده بود . در بیرون بود که با خبر شدیم در هفته بعد از زایمان اعدام شده است .

من مرگ رازبسته ام  
با آوازی غمناک  
غمناک ،

و به عصری سخت در آرزو سخت فرساییده . ( ۲ )

... چرخ تبلیغات من دوباره به راه افتاده است . مثل پاندول بیستون بروکسل ولیژه در تردد هستم . . . در یک جادو میهمانی چای در سالن مسادم واند روید در میان ممتازترین روشنفکران بلژیک . . . و بعد ترمحلله های کیف و شلوغ محل سکونت معدنچیان ، وحشت فقر ، مبارزه ، استیصال و امید ! بعد از این مسافرت کمی خسته ام ، در مدت ۲۱ روز در ۱۹ میتینگ سخنرانی کرده ام ، کم نیست . . .

... من همیشه بر این نظر بودم که در زندگی انسان سه ارزش وجود دارد . کار خلاق ، ارتباط با عزیزان و نزدیکی که با توده میخوان هستند و بالاخره رابطه با طبیعت . . .

... به نظرمی آید که ما اکنون در عصر فرماسیون ، جنگهای مذهبی و گذار از قرون وسطی به عصر جدید قرار داریم . این نقطه عطفی در تاریخ است ، نقطه تغییر بزرگ . نود رجال ساخته شدن ، رشد و نیرومند تر شدن در این جهان است . . . بیش از هر زمانی به استحکام پایه علمی تفکر تاریخی که به آن تعلق داریم ایمان داریم . چقدر این تفکر به فرد امکان دریافت و قیاس و یافتن رضایت در افقهای آینده را می دهد ! . . .

... اکنون مشتاقانه در حال مطالعه و یادگیری ، مشغول همصحبت صفحات زنده تاریخ هستم . جهان در حال حرکت است ، هیچ کجا در جانی نیست . زندگی نوین در جنبش و در حال پیشرفت و استقرار خویش است . دوست دارم که به گذشته برای بازبینی راهی که طی کرده ایم برگردم و بیا به سوی آینده بدوم . آینده های پر شوکت و شکفت انگیز ، که بشریت خواهد داشت . آینده ای که در آن وی زندگی کرده ، با الهامش را گشوده و خواهد گفت : " شادمانی ، شادمانی برای همه ! " . . .

... چقدر خواندن تاریخ این روزها جالب است . همه چیز را در برتود یگیری مشاهده می کنی . احساس ضعف از اینکه چگونه در مقابل چشمان تو ، روحیات مردم و تلقی و شیوه زندگی آنها عوض می شود ، چگونه همه مفاهیم و دیدگاههای پیشین فرومی ریزند . چگونه دنیا متحول می شود و پوست می اندازد !

- ۱- گزارشاتی از زندان " : جامعه دموکراتیک ایرانیان مقیم فرانسه
- ۲- احمد شاملو : شعر زمان ما



## "خالو عبدالله، چرا اینهمه شربت سینه می گیری؟"

آنروز وقتی صبحت از مزه تلخ ترشربت نسبت به گذشته کرد، من رابه فکرواداشت. از او پرسیدم: "خالو، نکنه معتاد شدی و بساط پهن می کنی و مثل خیلی از معتاد ها خودت را با شربت بناد ریل می سازی؟!"

سگرمه هایش توهم رفت، برای اولین بار کمی عصبانی بنظر می آمد، دردمند و تالان گفت: "نه آقا دکتر، ما اهل این حرف ها نیستیم، ما آبروداریم، خودت میدونی تو بند شربت سینه گرفتن فقط کنار من نیست، خیلی از بروجچه های بند شربت سینه رزق روزشون شده، میدونی! آخه ماکه گوشه گیر من نیاد، تا آنگوشتی ترید کنیم و بخوریم، ایسن شربت ها حکم آنگوشت مارو پیدا کرده، از شما چه پنهون. ترید این شربت ها، مخصوصا آگه بایه کمی آب هم قاطی بشه، با اینکه هنوز تلخی داره اما زیاد هم بد مزه نمیشه!"

با تعجب نگاهی به قیافه مبهوت من کردم و گفت: "شاید فکر کردید که ما این شربت ها را می فروشیم و یا... البته جمهوری اسلامی ما رو به روزهای بد ترا زاین هم خواهد انداخت، اما باور کنید که اینجوری نیست. ترید این شربت هادر هفته چند وعده غذای خیلی از کزینشین های بند ری است، نمی دانستید؟!"

شکمی برجسته بر روی پاهای ازبوسست و استخوانی باریک، گردنی که طاقت تحمل چنین کله ای بزرگ از آن بعید بنظر می رسید همواره با چشمانی از جدقه درآمده "زهرا" را چون جنین های چند ماهه می نمایاند. ماد زنیزه همچون خالو عبدالله، اسکت متحرکی بود که آفتاب سوزان بند رعبا و فقر بوستش را خشکاند بود. خالو عبدالله نیز بخاطر مراجعات متعددش به درمانگاه برای همه کارکنان در مانگاه چهره شناخته شده ای بود.

خالو آنروز هم مثل روزهای دیگر آمد بود تا شربت سینه بگیرد. مراجعه روزانه به درمانگاه و گرفتن دوشیشه شربت یکی از کارهای روزانه اش شده بود. او عادت کرده بود که خودش نسخه صادر کند: "به زن و بچه ام فقط شربت بناد ریل می افته، برای خودم هم مینظور. یکی برای اونا و یکی هم برای خودم". می گفت: "دو تا شربت سینه برامون بسه، سه نفر مان. ۵ سال نداریم، اما ۵ کیلو هستیم! زیادش هم ضررداره! اما ظاهر قضیه چیزدیگری بود، ماد رتنها ۵ ساله بنظر می آمد!

کارکنان در مانگاه و من فکرمی کردیم که خالو عبدالله، شربت ها را برای کمک خرج می فرود اما

### پرنده فقط یک پرنده بود

پرنده گفت:

"چه بوئی، چه آفتابی، آنها آمده است"

و من به جستجوی جفت خویش خواهم رفت."

پرنده از لب ایوان

پرید، مثل بیایمی بریدورفت

پرنده کوچک بود

پرنده فکر نمی کرد

پرنده روزنامه نمی خواند

پرنده قرض نداشت

پرنده آدمها را نمی شناخت

پرنده روی هوا

و بر فراز چاهای خطر

در ارتفاع بی خبری می پرید

ولحظه های آبی را

دیوانه وار تجربه میکرد

پرنده، آه، فقط یک پرنده بود

از مجموعه شعر: تولدی دیگر

سروده: فروغ فرخزاد

### ادامه از صفحه ۵

زنان شوروی گامهای بلند تری در مسیرهایی بر خواهند داشت.

با این همه، تجربه روندی که رهایی زن در شوروی پیموده است و بیروزیهای چشمگیر زنان شوروی و نیز کاستی های مهم جنبش زنان در این کشور برای ما منبع آموزش کم نظیری هستند. یافتن راههای تحقق رهایی واقعی و شکوفائی همه جانبه زنان در کشوری باتنوع ملل و فرهنگ و شرایط محاصره طولانی توسط امپریالیسم، جنگ ویرانی های هولناک ناشی از آن، وظیفه ای دشوار بوده و انجام این وظیفه همواره بشیوه ای اصولی، و بیانتایجی در رخشان توأم نبود است. اما برای زنان زحمتکش مبین ماکه مبارزه با استعمار سرمایه دارانه، استبداد سیاه و لایت فقیه وستم مرد سالارانه را باید در هم آمیزند، تجربه رهایی زن در شوروی با همه فراز و فرود هایش، درس تاریخی یگانه ای است.

### زن در شوروی

اختیار شهروندی آن شوروی قرار نمی دهد. مشکل مسکن بویژه در شهرها، تعدد ادنا کافی و کیفیت نازل بسیاری از موسسات نگاهداری کودکان، کمبود لوازم خانگی و محصولات عام مصرفی بعنوان عامل بازدارنده ای موجب تدوم غیر ضروری بچه داری و کار خانگی توسط زنان شده و اگرچه فالبابه کناره گرفتن زنان از اشتغال منجر نمی شود، اما امکانات فراغت آنان و در نتیجه امکانات استفاده از آموزش حرفه ای حین کار را - که در شوروی در مقیاس گسترده ای وجود دارد - برای بسیاری از زنان محدود می کند. در رگیه های دائمی برای حل کارهای روزانه مراقبت از کودکان، خرید و خانه داری در کنار اشتغال و در شرایط نیا اقتصاد خانوادگی و بیکی از زنان، منبع دائمی اختلافات خانوادگی و بیکی از دلایل وفور طلاق در اتحاد شوروی می باشد.

در زمینه نحوه نگرش مشکلات زنان تا چند سال قبل، نوعی ساد هنگری نسبت به مسئله زن غلبه داشته است، بدین معنی که رهایی زن با توجه به برابری قانونی وی با مردان در همه زمینه ها امری مفروض تلقی شده و سایر مشکلات بعنوان مشکلات عام و نه بویژه زنان قلمداد می شدند. این نگرش با انکار ضرورت صرف انرژی ویژه و برنامهریزی خاص برای حل آن رشته مسائلی که در وهله اول به موقعیت زنان لطمه زده و مانع تحقق برابری عملی آنان با مردان می باشند، در ادامه منطقی خود تلویحاً به

گرایشی در میان مردان میدان می داد که خواستار بازگشت زن به خانه برای پذیرفتن نقش طبیعی و "زنانه" خود بود. بعلاوه با انکار مسئله زن، ضرورت سازماندهی مستقل زنان و شرکت فعال آنان در مبارزه برای خواسته های خود که در قانون اساسی اتحاد شوروی تضمین شده اند نیز از میان برمی خواست و "کمیت زنان شوروی" بیشتر برای روابط بین المللی فعالیت می کرد تا برای خواسته های زنان شوروی!

با توجه به تحولات جاری شوروی و اقدامات حزب کمونیست برای بررسی مسائل زنان شوروی و ارزیابی انتقاد و واقع بینانه ای که در مطبوعات شوروی از مشکلات زنان طرح می شود، زمینه فعال شدن زنان شوروی مساعد تر از گذشته است و توجه بخشهایی از زنان به ضرورت فعال شدن و اقدامات مستقل را می توان از جان گرفتن فعالیت "شوراها"ی زنان" دریافت. در این زمینه بدیهی است که نقش زنان شوروی نباید به مبارزه برای خواسته های اخص خود محدود شود، بلکه مبارزه برای تحول بنیادی در جامعه شوروی، مبارزه برای کنترل توده های و کارگری، دموکراسی و از همه مهمتر مبارزه برای در اختیار گرفتن همه جانبه نقش تصمیمگیرنده در حوزه تولید و راداره امورات منطقه ای و کشوری از سوی احاد مردم باید فعالانه توسط زنان صورت گرفته و مبارزات جنبش عمومی زنان پیوند یابد. این وظیفه ای است که اکنون در مقابل زنان شوروی قرار دارد. بهبود وضعیت اجتماعی زنان با فعال شدن آنها در خانه تکانی جاری در شوروی پیوند مستقیم دارد و هرچه این خانه تکانی اساسی تر و تحولات جدی تر باشد،

### ادامه از صفحه ۱

## خجسته باد...

جنگ زده و ویرانه های بجا مانده از مباران هسا، در اعتراض به پوشش های اجباری، در اعتراض به زنان - مردانه کردن جامعه، اینها همه عرمه های مختلف مبارزه زنان کشور ما علیه تبعیضات قسرون و سفاکی وستم سرمایه دارانه است.

بیروزها مبارزه زنان ایران!

فرخنده ما دهتم ما رس روزجانی زن!

# مبارزات زنان ویتنام در رژیم سایگون

در سال ۱۹۶۷ در دادگاه‌های که در استکهلم، توسط "بیرتر اندرا سل" و "ژان پل سارتر" بمنظور بررسی جنایات جنگی آمریکا در ویتنام، تشکیل شده بود، یک روزنامه نگار زن بنام "مادلین ریفا د..." که بمنظور شهادت به این دادگاه فراخوانده شده بود. در باره موقعیت زنان و کودکان در ویتنام جنوبی چنین گفت:

"من از ژانویه تا مه ۱۹۵۵ و سپس از نوامبر تا آغاز فوریه ۱۹۶۵، از طریق (FNI) "جبهه آزادی بخش ملی" در مناطق آزاد شده ویتنام، رپرتا تهیه کردم. هر ساله ای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۹ و سرکوب فزاینده و سیستماتیک رژیم نواستعماری که در برنامۀ دولتی اش، استقلال و دموکراسی را تبلیغ کرده بود، روشن کرد که ملتی را که نه سال مبارزه سخت و بی امان را بر علیه با زگشت استعمار پیشست سرگذاشته و آزادی اش مجدداً توسط آمریکا تصرف شده بود، نمی توان فریب داد. من در هیچ جای ویتنام جنوبی یک خانواده کامل پیدا نکردم. مادرا ن فرزندانی خود را جستجوی کردند که از سالیان پیش دزدیده شده بودند. مردان سالیان در ازمنی دانستند که زنان آنها هنوز در زندان بسر می برند و یا کشته شده اند.

در خلال این زمان که بعنوان گزارشگر جنگی، یک واحد سرپا زان جوان (FNI) "جبهه آزادی بخش ملی" را همراهی می کردم، دوبار با این منظره مواجه شدم که در خلال رژه عبوری این سرپا زان از یک ده، یک جوان بیست ساله ما درش را می یافت. ما در تازها از یک بازدا شنگاه مرخص شده بودیم و جوان از هفت - هشت سالگی خود به بعد ما درش را هرگز ندیده بود. آنها همدیگر را شناخته بودند و بعداً ما ملاقاتی فمیدند که مادر و فرزند می باشند.

بسیاری از مردم در باره قتل عام "مای لان" شنیده اند. در آنجا گردانهای نظامی آمریکا طی در کمتر از یکساعت تقریباً با صد غیرنظامی بی دفاع راقمایی کردند و کشتند. واقعیت هنوز که ملازوش نیست. گردان سوم هوایی بریگا رد، بخش هشتاد و دو، قبیل از این قتل عام، صد نفر از زنان را مورد تاجا و زقرار دادند.

اعتبار این گزارشها ما از طریق شهادت ها است. تنها یک سرپا زان آمریکا طی پس از مراجعت به آمریکا اینطور تعریف کرده است:

"ما از میان آن دهکده عبور می کردیم. یک گروه گشتی مرکب از هشت مرد بودیم. ناگهان همگی با زور و اریکی از کلبه ها شدیم. مردم دقیقاً می دانستند که سرپا زان آمریکا طی با آنها چه خواهد کرد، بنا بر این آنها ن سعی می کردند که حداقل دختران جوان و باکره، خود را مخفی کنند.

ما یکبار درختی را پیدا کردیم که در آنجا رخنه اش خود را در زیر زمین مخفی کرده بود. او را کمان کمان روی زمین به بیرون از خانه کشیدند و جلوی چشمان تمام افراد داخله و ساکنین آن دهکده شش یا هفت آمریکا طی، مورد تاجا و زقرار دادند. این تنها یک نمونه منحصر به فرد نیست. بلکه نمونه ای است که من میتوانم آنرا بخاطر بیاورم. دقیقاً از حداقل ده تا پانزده مورد از این نمونه ها اطلاع دارم.

برای سرپا زان ارتش آمریکا غیر ممکن بود که بتوانند در صفوف ارتش رها طی بخش خلق (FNI) زنان مبارزان سرپا زان تلقی کنند، بلکه این زنان از دید آنها ن، فوا حتی یا خدمتگزاران سرپا زان، مردمی توانستند بنا شوند.

در ارتش آمریکا فقط تیب های بخصوصی از مردان پرورش داده میشوند که اینطور فکری کردند که آنها ن هرگز نمی توانند به زنان اعتما دکنند و اینکه زنان احمق و ضعیف هستند و فقط بر اساس ظاهرشان می توانند مورد ارزیابی قرار گیرند.

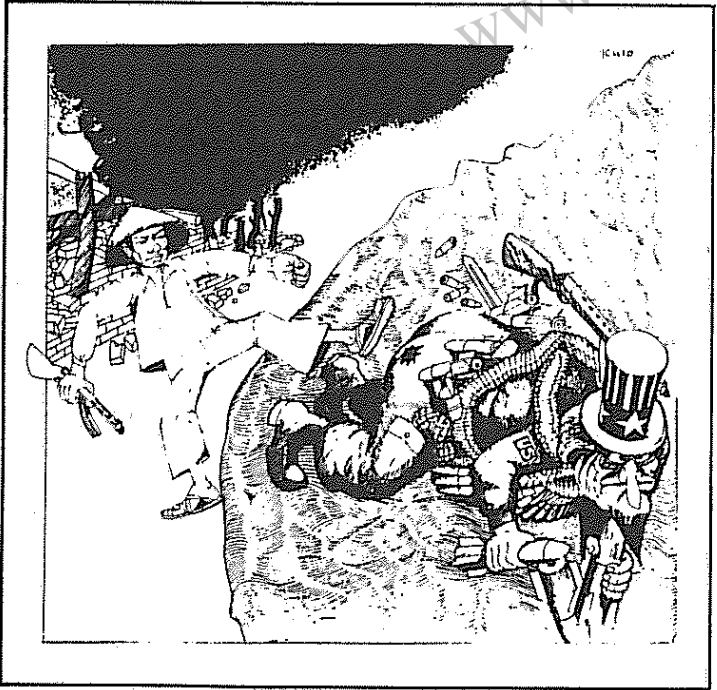
در تعلیمات اساسی ارتش آمریکا اگر چنین اتفاقی می افتاد که یک گروهی در درستی این آموزشها تردیدی کرد و یا عقبی می ماند، بعنوان "گربه بشمالو" (۱) به او توهین می شد و یا با فحشهای دیگری مورد تحقیر قرار می گرفت که ضعیف و کم قامت و دارای خصوصیات زنانه است. در مجله P.S، ما هتا مرسمی ارتش آمریکا، قطعات ما شین با سینه زنان مورد مقایسه و تشابه قرار می گرفت و زنان ویتنامی بعنوان اجناس قابل خرید، ارائه می شدند.

در ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۶ سرپا زان واحد ۲۵ قسمت پیاپی نظام که در منطقۀ "لانگ آن" یک پایگاه نظامی تاسیس کرده بودند، دو دست نفر از زنان ویتنامی را محاصره و به آنها تاجا و زکردند. در همین ماه، ما هیگرا ن اجساد برهنه و عریا ن شوهفت نفر زن را که در رودخانه های "گای سان" (Gai-San) و "گای کسون" (Gai-Con) به قتل رسیده و سپس غرق شده بودند، یافتند. سرپا زان آمریکا طی در ویتنام همیشه می ترسیدند و اغلب خود را از طرف دشمن تحقیر شده احساس میکردند. آنها از این واقعیت بسیار عصبی بودند که چرا قادر نیستند بین مردم عادی و دشمن تفاوتی قائل شوند. آنها ن اغلب نا مطمئن بودند و می دانستند که در هر ساعتی ممکن است مورد حمله قرار گیرند.

آنها می دانستند که بیشتر مردم عادی از "جبهه آزادی بخش ملی" طرفداری و حمایت می کنند. سرپا زان آمریکا طی از خطر دائمی که آنها را تهدید می کرد - کما ملاکها بودند و عکس العمل ترسهای آنها ن این بود که خلق ویتنامی بخصوص زنان را مورد تاجا و زقرار داده و سپس ترور نما یند. وحشانه ترین تاجا و زات، آنها طی بودند که نا بودی نسل آینده را هدف قرار داده و به زنان چنان صدمات شدیدی وارد می نمودند که دیگر آنها در آینده نمی توانستند کودکانی داشته باشند.

این گونه زنان شوماری خود را به انرژی برای مبارزه تبدیل می کردند. بسیاری از این زنان که قربانیان و یا شاهدان این تاجا و زات بودند، حقایق و واقعیت های این جنگ خانمانسوز را می شناختند. تصمیم گرفته بودند که فعلاً نه در مبارزه علیه رژیم سایگون و آمریکا شیهای متجا و شرکت کنند. "هونی کین" شرح می دهد که چرا در مبارزات آزادی بخش فعالانه شرکت می کند:

"من از واقعای برای شما می گویم که شما تماشاگران بودم. زن حامله ای



که ده هفته به تولد کودکش باقی مانده بود، در خلال یک حمله بدست سرپا زان آمریکا طی اسیر شد. آنها سعی کردند به او تاجا و زکنند. اما او به سختی با آنها مقابله کرد. سپس پنج سرپا زان آمریکا طی او را بر روی یک تخت به زنجیر کشیدند و تا سرحد مرگ به او تاجا و زکردند. بعد از آن شکم او را بر سینه زها ره کردند و چنین راه شکم ما در بیرون کشیدند. در حین انجام این اعمال وحشانه تا پای آن قهقهه می زدند.

(۱) دشمنی است توهین آمیز به مردان به سلامت اینکه دارای صفات زنانه میباشد.

## نگاهی گذرا به وضعیت شغلی زنان کارگر در بعضی کشورهای صنعتی غرب

برجسته است . زنان بالا تراز . ۴ سال شانس ناچیزی برای اشتغال مجدد و دائمی دارند ( در صورت فقدان تخصص ) و در صورت یافتن کار ، شغل آنها معمولاً نباید اراست ( ۳ تا ۴ سال ) . ۵ سال ارای این وضعیت هستند ) . بیکاری طولانی . ۳ درصد زنان جوان ( کمتر از ۲۵ سال ) را شامل می شود و بعلاوه زنان شاغل در بخش تجارت و با زنان بدین تخصص در صورت بیکاری ، در این زمینه قرار می گیرند . تخصص ناکافی و فقدان آن از یکسو زنان را مجبور به داشتن شغل های کم درآمد و نا پایدار می کند و از سوی دیگر آنها بعنوان اولین قربانیان بحران اقتصادی در صورت بیکار شدن از حق بیکاری ناچیزی - و فقدان چنین حقی - برخوردار خواهند شد .

آموزش حرفه ای بعنوان وسیله ای برای کسب تخصص و در نتیجه قرار گرفتن در موقعیت بهتر در بازار کار ، خود آئینه تمام نمای از موقعیت زنان و امکانات واقعی آنان برای خاتمه دادن به نقشی فرعی خود در تولید سرمایه اری است . وضعیت زنان جوان در این مورد بویژه شایان توجه است . مثلاً در کشور آلمان از مجموع کل دخترانی که آموزش حرفه ای دریافت می کنند ، ۸۵ درصد برای بخش خدمات و حدود ۱۰ درصد برای صنعت آموزش می بینند . آن تعداد از دخترانی که برای مشاغل " مردانه " در بخش خدمات آموزش می بینند ، معمولاً در آن دسته از رشته ها چنین امکانی می یابند که در بیکاری بالا بوده و تعداد آن زنان جوان بیکار در این رشته ها حد اقل دو برابر مردان جوان بیکار می باشد . اما آموزش حرفه ای در زمینه شغل های باد ستمزد بهتر و با اصطلاح " مردانه " یعنی یافتن کار نیست . تعداد دختران جوان بیکاری که آموزش فنی برای رشته های صنعتی دیده اند ، ۵ تا ۷ برابر بیشتر از مردان جوان با موقعیت مشابه است و این در حالی است که این رشته ها معمولاً اشتغال دائمی و پاد زامدات تری را در مقایسه با بخش خدمات عرضه می کنند . بیکاری در مورد دختران جوان ( کمتر از ۲۵ سال ) بدین آموزش حرفه ای به رقم ۵۰ درصد می رسد و هر چه متقاضی کار جوان تر باشد رقم فوق افزایش می یابد و این بدین معنی است که دختران جوان چنانچه سال در تراز مردان جوان ، موفق به یافتن شغل - در صورت یافتن ! - می شوند و اگر تجربه های اول ناموفق باشد و آنان به خیل بیکاران بپیوندند ، معمولاً از حق بیکاری برخوردار نمی شوند .

همانطور که دیدیم ، زنان کارگر کشورهای صنعتی غرب اساساً در بخش خدمات شاغل بوده و به اقتضای آموزش حرفه ای و تخصص ناکافی خود ، قبل از سایر کارگران در معرض خطر بیکاری قرار دارند . اشتغال آنان غالباً نباید ارتزبده و بهمین دلیل عوارض ازدست دادن کار برای آنها بدلیل برخورد ارتزبده از حق بیکاری و یا ناچیز بودن مبلغ آن در دناک تراز مردان است . آموزش حرفه ای زنان جوان نیز اساساً در خدمت ادامه روند فوق قرار داشته و با توجه به تداوم بحران اقتصادی بی عید است که در آینده زنان کارگر بتوانند در موقعیت بهتری در بازار کار قرار گیرند .

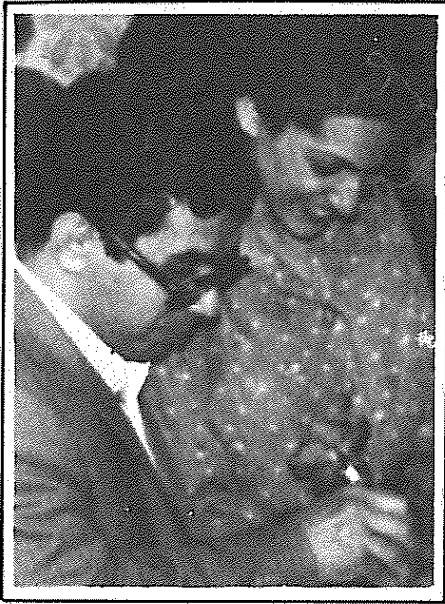
بین زن و مرد تداوم یافته و در زمینه های تثبیت شود زیرا از لحاظ ساختاری مشاغل مربوط به زنان به گونه ای است که همواره درآمد کمتری را نصیب زنان می کند . بعنوان نمونه میتوان ساختار اشتغال زنان در فرانسه را مورد بررسی قرار داد .

در فرانسه زنان نزدیک به ۴۲ درصد نیروی کار شاغل در صنعت و خدمات را تشکیل می دهند ، اما اساساً در بخش خدمات است که اکثریت آنان مشغول به کار هستند و در صنعت و بهر و کراسی دولتی نیز آنان عمدتاً به کارهای ساده غیر تخصصی و یا کارد فتری مشغول اند . در بخش خدمات ، ۳۲ درصد زنان شاغل به صورت نیمه وقت کار می کنند و ۴۳ درصد از آنان فاقد قرارداد کار دراز مدت می باشند . در نتیجه نرخ متوسط بیکاری زنان در بخش خدمات ۱۲ درصد می باشد و این در حالی است که این بخش بعنوان یکی از بخشهای در حال رشد ، اساساً در زامدات به نیروی کار زنان تکیه دارد . زنان بیکار نیز یک بهیمی از کل بیکاران را تشکیل می دهند و این عارضه نظام سرمایه اری در مورد گروه های سنی معینی بسیار

بحران اقتصادی کشورهای سرمایه اری غربی در سالهای اخیر ، برای زنان کارگر بویژه برای زنان جوان جوای کار در این کشورها ، مشکلات جدیدی را آفریده است . اگر تا قبل از رونق اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم ، زنان نقش نسبتاً پایینی در تولید داشتند ، در دوره رونق اقتصادی ، نیروی کار زنان بعنوان منبع مهم دیگری برای توسعه اقتصادی بشمار آمده و در این دوره زنان توانستند در صد قابل ملاحظه ای از مجموع شاغلان را در کشورهای صنعتی اروپا و آمریکا تشکیل دهند ، بطوریکه در اغلب این کشورها زنان بیسن ۳۰ تا ۴۵ درصد نیروی کار فعال را در بر می گیرند . راه یافتن زنان به حوزه تولید در مقیاس وسیع معنی برخورد اری آنها از حقوق برابر با مردان نیست . مثلاً در کشورهای با زامدات مشترک اروپا زنان برای کار مساوی با مردان ۳۰ - ۲۵ درصد دستمزد کمتر دریافت می کنند و این تفاوت برای زنان در آمریکا تا ۴۷ درصد می رسد . اما حتی برخورد اری از دستمزد مساوی با مردان اگر بنا به فرصت درآینده عملی شود ، مانع از آن نخواهد شد که نابرابری



## چرا که از عشق روئینه تنیم



... نخست از زندگی خود سرشار بود، از روزهای کودکیش، از لطافت سبزه و شالیزار، از زلفه‌های و درو، از رنج مادر، از رنگا هیرا ندوه پدر، از آنچه کسی می‌گاشتند و دیگران از آن بهره می‌گرفتند، از برکت زمین و بی نصیبی از آن، در آبکناری - روستای درجوار ریندرانزلی - زشت و زیبا را در کنار هم دید، کار فرمای بنده بستگان و فقر که او را می‌ترساند و شگوه طبیعت دلپذیر که آرام‌آرام او می‌ربود، کینه به ستم و غارت و عشق به زیبایی و رهائی را در او باور کرد، بسا دستمایه‌ای از احساسی چنین، زندگی خود را آغاز نمود، روزگاری جوانی را همچنان با عشق و کینه سرگرد، کینه را جلا داد و عشق را سرشار خواست!

درس‌های آموخته‌ها را اما از سرآغاز موقت، از آن قامت بلند، یثار، از روزبه، از پشت میله‌های زندان ستمناهی، هرگاه که به ملاقات برادر می‌رفت و چهره خندان او را می‌دید، دل به بیقراری‌های سستری می‌سپرد و بیشتر در کار مبارزه می‌نهاد، زندگی را چنان می‌خواست که برادر در کنار او داشته‌اند، با سزاغری و سوسر - افکنندگی دشمنانش را روزشمار می‌کرد.

قیام بهمن گوئی برادر و رفیقان را، آزادی و پیروزی را به او پیشکش کرد، این چنین می‌نمود گویا در آغاز، او پنجمه را با س میداشت و گرم در کار بود در کنار دیگران، تا گستره آگاهی مردمان را وسیع‌تر کند، که خود از آنان بود و در دستان را می‌شناخت.

و این چنین نبود اما در واقع، که انقلاب مرده بود، پیروین در کنار هم زمانش فریاد می‌زدند با انقلاب!

دریسترگاری چنین آگاه هگران، او را که کارمند بانک ملی بود "پاکسازی" کردند، که آتش در جان نهفته داشت و هراس دشمنان، تنه‌ها را چندان بی‌مایه نبود، لیک چه پروا از این خام‌خیالیه! او از سالها پیش نکته‌ها از زندگی و از مبارزه آموخته بود و اکنون عرصه کار فراخ بود و او چه سودا، های سرخ که در سوسو نداشت!

از روزهای آغازین تا سیزده ساله، او را در کنار خود داشتیم، شور و آرا ده نکست تا پذیرش را، دریغ اما که در سیر ماه ۱۳۶۱ همراه برادرش روزبه گلی آبکناری و همسر کمونیست و نام‌آور خود رفیق شهید مهرا ن شهاب‌الدین (عضو دفتر سیاسی سازمان) دستگیر شد، اینک میباید است آنچه را که تا سیزده سالگی کمونیست چون او بود به تماشا می‌گذاشت: گستاخی انقلابی و بر سر پیمان دیرینه دوستی با زحمتکشان بودن، و درود بر او که چنین کرد، لب‌الزلب نگشا دو قهرمانانه بر میثاق خودیای فشرده، بر او حکم نوشتند: حبس ابد، این پاسخ جلادان بود آنگاه که حربه تا زینت و شلاق بر او کارگر نیا فتاد.

در زندان با یار مبارزان را با هم می‌داد، حال او داغ از دست دادن برادرش را با خود داشت و اندوه از دست دادن رفیق مهرا ن را - که هنوز ۴ روز از ازدواج -

شان نگذشته بود که دستگیر شده بودند، پس سلاح کینه میقل داد و در زندان اوین کارآگاه هگران و میدن روح مقاومت و ایستادگی را پی گرفت و در حرکت‌های اعتراضی زندان چون یک رزمنده آگاه و در صف همیسته زندانیان حضور داشت، این اما برد زخمیان گران آمد که این فرزندان دلاور خلق دستگا و وحشت و هول اهریمنی شان از آن به هیچ می‌گیرند و از آن ایستادگی و اعتراض آنان بسا بیرون از دنیای بلندنزندان کشیده می‌شود.

رفیق پروین گلی آبکناری، با ریدیکروا و بنبار بجرم استواری و مقاومت در زندان به زیر شکنجه برده می‌شود و با زتکرا رخناسی آن "نه خونین!" فرجام کار را پروین خود بر میگزیند و با گسست رشته حیات خود، تنگ ابدی را به جلادان می‌گذارد.

بنابر روایت دیگری، دژخیمان جمهوری اسلامی پس از اعمال فشارهای وحشیانه و از زیر شکنجه به شهادت رساندند.

... نخست از زندگی خود سرشار بود و در لحظه شهادت، ۱۵ آذر ماه ۱۳۶۶، با ز از زندگی خود و از مبارزان زحمتکشان سرشار بود، از او میا موزیم و بر راه او استوار می‌مانیم!

من و تو یکی شوریم

از هر شعله‌ای برتر،

که هیچ‌گاه شکست را بر ما چیرگی نیست

چرا که از عشق

روئینه تنیم.

## دور مجدد جنگ شهرها و کشتار مردم بی دفاع

خواهان قطع فوری آن و پایان دادن به این جهنمی است که رژیم اسلامی بیشترین سوز را از آن می‌برد، رژیم فقها با تمام نیرو بر آید اما این جنگ پای میفشارد و با بهره‌گیری از موقعیت‌هایی که امپریالیسم نیز از آن بهره می‌برد، آنرا ادامه می‌دهد و به همین جهت ختم جنگ با پایان دادن به حیات آن گره خورده است، اما با دیدن هشایری تمام و بهره‌گیری از همه امکانات به‌فشار و بیرحمی برای سازماندهی مبارزات ضد جنگ تلاش نمود، خصوصاً با محکوم نمودن جنگ شهرها و کشتار مردم بی دفاع از هر دوسو، با تمام نیرو برای پایان بخشیدن به آن مبارزه کرد.

از روز نیمه سفند ما هیکیا ریدیکراش جنگ ویرانگر و ارتجاعی مستقیماً به شهرهای دوکشور، خصوصاً ایران، کشیده شد، جانهای عزیز مردم بی‌دفاع شهرها در اثر انفجار موشکها و بمباران‌ها در راه اهداف ارتجاعی این جنگ و تداوم آن، تلف می‌شود، تنها در روزیازدهم سفند نقاط مختلف شهر تهران هدف اما بت ۱۷ موشک قرار گرفت که حاصل آن دهها کشته و زخمی بود، و پرتاب موشک و بمباران شهرهای هر دو کشور بصورت روزانه تداوم دارد.

این جنگ در تمام اشکال خود ویرانگر و آدمی‌خوار است، در تمام وجود خود هستی خلقهای دوکشور را بریر می‌دهد، از همین روست که خلقهای ایران و عراق و همه نیروهای مترقی و بشریت‌آگاه

## با پیام‌کارگر همکاری کنید!

### آدرس پیام‌کارگر

POSTFACH  
650226  
1 - BERLIN 65

ALIZADI  
B.P. 195  
75564 PARIS  
- CEDEX 12  
FRANCE